

مردم بهتر از دولت کار را اداره می‌کنند؛ اگر مغازه ای دولتی شد نزدیک اذان می‌رود وضو و با پیغمبر است و نیم ساعت زودتر در عالم غیب فرو رفته و نیست.

در دیدار خیرین و فعالان مبارزه با کرونا؛



حسن روحانی، رئیس جمهور ایران در دیدار خیرین، سازمانهای مردم نهاد و فعالان مبارزه با کرونا اظهارداشت: مهم است که سمن ها برای تاثیرگذاری و جذب امکانات جامعه به یک برند قابل اعتماد برای همگان برسند.

به گزارش اسپادانا خبر، متن سخنان رئیس جمهور به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

بسیار خوشحالم که در روز میلاد با سعادت سبط اکبر رسول خدا(ص)، کریم اهل بیت(ع) حضرت مجتبی(ع) در جمع عزیزانی هستیم که بخشی یا همه وقت و توان خود را برای خیر و نیکوکاری وقف کردند. امام مجتبی(ع)، امام صلح، صبر، احسان و نیکوکاری بود. در تاریخ نکات بسیار زیادی وجود دارد و شما هم در کتب تاریخی یا در سخنرانی‌ها آن نکات را شنیدید. البته همه ائمه هدیه(ع) و پیامبر اسلام(ص) اینچنین بودند اما هر امامی به مناسبت و بزرگی مقطع تاریخی اش، یکی از صفات بلند انسانی ظهور و بروز بیشتر پیدا کرد.

در شهادت، شجاعت، ایثار و فداکاری همه مثل هم بودند اما در یک مقطع تاریخی برای امام حسین(ع)، شرایطی پیش آمد که مظهر ایثار و فداکاری و ثارا شد.

همه ائمه هدیه(ع) دارای مظلومیت فراوان بودند اما در زندگی امیرالمؤمنین علی (ع) اوج مظلومیت را مشاهده می‌کنیم. در تاریخ کمتر کسی را می‌یابیم که توأم با آن همه شهادت، شجاعت، ایثار، اخلاق و فداکاری، آن همه مظلوم باشد. در جامعه خودش چه آن زمانی که حاکم بوده، چه آن زمانی که خانه‌نشین بوده در هر دو دوره، امیر المؤمنین علی (ع) دارای مظلومیت فوق‌العاده است.

اساساً افتخار می‌کنیم که پیرو اسلام، پیامبر اسلام(ص) و پیرو ائمه هدیه(ع) و شیوه آنها هستیم. در سایه بهره‌برداری از آن اوج و شکوه و اخلاق، هر یک از ائمه هدیه(ع) است که می‌توانیم یک زندگی خوب و مورد رضای حق را بسازیم. اساساً خداوند خلقت این عالم را اینگونه آفریده است. "وَرَقَعْنَا بَعْضَهُمْ قَوْقُ بَعْضٍ"، از لحاظ فکری، استعداد، توانمندی، قدرت بدنی، زیبایی، فصاحت و خوش‌بین بودن همه یکسان نیستند. هر کدام یک ویژگی‌هایی دارند، اما اینگونه نیست که انسانی را بیایم که دارای ویژگی بلندی نباشد. ما باید فرصتی را ایجاد کنیم که آن استعداد بروز پیدا کند. اساساً فلسفه کل خلقت این است که به یک نقطه‌ای برسیم که استعداد درونی ما بروز و ظهور پیدا کند. اگر آیات قرآن مجید را مطالعه کنید یا وقتی استماع می‌کنید و می‌شنوید، می‌بینید بسیاری از کارها را خداوند می‌گوید ما این کارها را قرار دادیم تا شما نیکوکار، اهل فکر و تقوا باشید.

اما در آیاتی است که فلسفه نهایی احسان، نیکوکاری، تقوا، ایثار، جهاد و فداکاری، فلاح است. «لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»، فلاح و رستگاری که همان در اذان هم می‌گوییم حی علی الفلاح که یکی از شعارهای اذان ماست، فلاح یعنی آن جایگاهی که استعدادهای انسانی شکوفا می‌شود. به زراعت هم می‌گویند فلاحت، فلاح و زراعت یعنی زارع، بذر را در زمین می‌نشانند و شکوفایش می‌کند و از یک دانه گندم به تعبیر قرآن خوشه‌های متعدد و از هر خوشه‌های دانه‌های فراوان را به ثمر می‌نشانند.

خداوند ما را خلق کرده که به فلاح برسیم یعنی به آن نقطه‌ای برسیم که استعدادهایمان را بروز و ظهور بدهیم و بروز و ظهور این استعدادها فضا می‌خواهد و یکی از آن فضاها، فضایی است که انسان فرصت پیدا می‌کند به دیگری یاری برساند. حالا این یاری اشکال مختلف دارد، شما ممکن است کسی را از یک مسیر نادرستی به مسیر صحیح بکشانید. این بزرگترین کمک و خیر است که آدم بتواند با کسی بنشیند با یک جوان و یک نوجوان و یک میان‌سال، ۲ الی ۱۰ جلسه با او بنشیند و دوست شود و او را از یک مسیر نادرست به مسیر صحیح بکشانند. این بالاترین خیر است که از آن به هدایت تعبیر می‌شود.

آن بیان امیرالمؤمنین(ع) است که یا علی «لَا يُهْدَى إِلَّا يَكْرَجًا وَاجِدًا خَيْرٌ لَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا». پیغمبر به امیرالمؤمنین (ع) می‌گوید اگر یک نفر به دست تو هدایت شود از تمام دنیا بالاتر است و این نکته عجیبی است. یعنی پیغمبر (ص) می‌گوید یک آدم گمراه هدایت شود و به مسیر درست بیاید، از همه دنیا بالاتر است. دیدگاه اسلام این است که یک انسان معادل کل بشریت است و این هم بیان قرآن و اسلام است که حیات یک انسان، حیات بشریت است. تعبیر قرآن این است که «مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا». شما یک نفر را زنده کنی مثل اینکه بشریت را زنده کردید و این تعبیر عجیبی است. خداوند وزن یک انسان را معادل وزن همه انسان‌ها قرار می‌دهد.

فرض بگیریم ۷ الی ۸ میلیارد جمعیت داریم و در کنار هم زندگی می‌کنیم. دست یکی را که می‌گیریم، این معادل با این است که دست همه را گرفتیم. گویی انسان‌ها همه به هم وصل و مرتبطند؛ در خیر و نیکوکاری، خدای ناکرده در شر و مسایل انحراف همه در کنار هم قرار می‌گیرند.

الان یکی از آثاری که در این ویروس کرونا می‌بینیم این است که یک فرد می‌تواند یک جامعه و شهری و یا ده‌ها نفر را مبتلا کند و آن ده‌ها نفر نیز هر کدام ده‌ها نفر دیگر را مبتلا کنند. ببینید از یک نقطه، یک نفر آمده، چند روز پیش آقای دکتر نمکی آماری می‌داد در یکی از زندان‌ها، یک فرد مبتلا وارد شده در این زندان و تا بفهمند، از ۱۲۰ نفر جمعیت آن محوطه، ۱۰۰ نفرشان بر اساس نتایج تست‌گیری مبتلا شدند.

خطر این ویروس این است که یک فرد می‌تواند ۲ نفر، می‌تواند یک جمع، روستا، محله و شهر را مبتلا کند یعنی اپیدمی این بیماری به گونه‌ای است که به سرعت می‌تواند به دیگران منتقل شود.

این همانی است که در روایات آمده که یک نفر که اخلاق ناسالم دارد گاهی می‌تواند اخلاق جمعی را ناسالم کند. با بدان بنشیند و بد بشود یا با خوبان بنشیند و خوب بشود. این ویروس به ما نشان می‌دهد که یک ویروس نهان و پنهانی، که میلیاردها از آن را اگر جمع کنی، از لحاظ وزنی یا حجمی چیز قابل ذکری نیست، اما شما ببینید که همین ویروس از یک نقطه‌ای شروع کرده، حالا بگویم ووهان چین و آمده سراسر جهان را یکی یکی این کشور، آن کشور، همه کشورها را درگیر کرده است.

کشوری نداریم که الان گرفتار و مبتلا نباشد. البته یک مقدار هم بخاطر صنعت دنیای امروز است. اگر هواپیما نبود، سفر هوایی و سفر با ابزار نقل و انتقال جدید نبود، شاید دیر این کار انجام می‌گرفت، ولی این باعث شده یک نفر از یک نقطه‌ای پرواز کند به یک جایی و کشوری دیگر در آن سوی عالم را هم مبتلا کند. این نشان می‌دهد که در جامعه انسانی بهم متصل هستیم. در خیر و شر، کنار هم هستیم. خیر ممکن است جامعه را فرا بگیرد و شر ممکن است جامعه را فرا بگیرد.

حالا که خداوند اینچنین این جهان را آفریده است، لذت‌هایی هم که برای ما قرار داده متفاوت است یعنی یک کسی فکر کند از لحاظ مادی فقط لذت می‌برد و به دوره دبستان مثال می‌زنم که یک مسأله ساده ریاضی را به شما می‌دادند و در همان دوران کودکی به آن مسأله فکر می‌کردی، شب حل می‌کردی، تمام می‌شد و چقدر خوشحال می‌شدی؟

یک مسأله ریاضی را شما حل کردی. حالا بالاتر یک دانشمندی بتواند یک معضلی را حل کند و همین الان در همین مسأله کرونا اگر یک مؤسسه‌ای بتواند موفق شود و برای این کرونا دارو کشف کند، ببینید چه عظمتی از لحاظ جایگاه علمی یا حتی از لحاظ جایگاه اقتصادی پیدا می‌کند و یا یک کسی یا مؤسسه‌ای یا دانشگاهی بتواند واکسن این ویروس را به دست بیاورد و شما ببینید چه تحول بزرگی در دنیا بوجود می‌آید.

اصلاً این واکسن می‌تواند جامعه امروز جهان ما را عوض کند و یک آرامشی به کل جهان بدهد بنابراین یک کار است و حل یک مسأله است اما حل این مسأله تأثیرگذار در همه عالم و جهان است و همه اینها برای ما لذت‌بخش است.

شما وقتی یک بیمار را مداوا می‌کنید، وقتی شما زیر دست یک انسان را می‌گیری که ناتوان است حتی در این حد که یک نفر را از عرض یک خیابان عبور بدهید، اینکه ساک یک نفر که سنگین است را از او بگیرد و کمک و یاری کنید، زیر بغل یک کسی را بگیری و از پله اتوبوس ریل، قطار، هواپیماست او را بالا ببری که کمک به دیگران یک لذت معنوی دارد که آن لذت مادی با لذت مادی ظاهری قابل مقایسه نیست و این لذت، لذت معنوی است.

شما یک فردی را نجات دادی و منجی یک انسان بودی که در یک همچون جامعه‌ای ما یک وظیفه بزرگ در برابر اقشاری که دارای آسیب‌هایی هستند، داریم. حالا یا از لحاظ جسمی آسیب دارد، روحی یک آسیب و معلولیتی به او رسیده است و یا یک آسیبی بعداً در زندگی وی وارد شده مثل اعتیاد و مشکل پیدا کرده، از خانواده جدا شده است، باعث شده که یک فرزند خیابان باشد، کارتون خواب باشد و یا هر عامل و چیزی.

یک عاملی که از یک جایی شروع شده و یک فرد را در جامعه دچار یک مشکل کرده است که اینجا وظیفه ما است و همه به این گروه یاری و کمک کنیم.

الان نمی‌دانم یک جامعه‌ای و یک کشوری داریم که هیچ مشکلی نداشته باشد یعنی در آن جامعه فقیر و گرسنه و معلول که بالاسرش سرپرست نباشد، وجود نداشته باشد. بعید می‌دانم همه جوامعی که تا حالا دیدیم و شنیدیم و خبر داریم، همه جا است حتی کشورهای که خیلی پولدار هستند و وضع اقتصادی بسیار خوب دارند، شما می‌بینید حتی کنار فرودگاه‌های بین‌المللی آن‌ها، ۲۰۰ متر الی ۱۰۰۰ متر می‌آید و می‌بینید که یک عده‌ای در حلی‌آباد زندگی می‌کنند.

این حاشیه‌نشین‌ها که در شهرها بزرگ می‌بینیم و حاشیه‌نشینی در روستا نیست. در روستا که بروید حاشیه‌نشین وجود ندارد و وقتی شما به شهر بزرگ می‌رسید حاشیه‌نشین دارید. شهری که خیلی بزرگ‌تر و ثروتمندتر است آنجا دومرتبه حاشیه‌نشین دارید چون یک عده‌ای هجوم آنجا آوردند که از تنعمات آن جامعه، کار و شغل استفاده کنند و نتوانستند و ماندند و ناچار شدند به بیرون این شهر بروند و یک جایی پیدا کنند و بخواهند. حاشیه‌نشینی‌ها از اینجا شروع شده است.

در برابر این معضلی که امروز جامعه بشر با آن روبرو است باید چه کار کرد؟ از آنی که ما در منابع دینی و علمی و یا در فعالیت کشورهای می‌بینیم، فرق نمی‌کند شاید آن روزی که روی کره زمین که بهشت برین بی‌نقص و بی‌عیب باشد، پیدا نشود و یک همچون چیزی شاید روی کره زمین نیست و آن وعده‌ها مربوط به آن جهان است.

آن وعده‌ها در بهشت و قرآن نسبت به جهان بعد از مرگ آمده و آنجا جهان بی‌عیب برای ما ترسیم شده است البته آنجا هم باز مراتب وجود دارد و یکسانی نیست و در خود بهشت هم مراتب وجود دارد.

آدم‌هایی که خوب و به بهشت می‌روند هم مراتب مختلفی دارند و افرادی که عملشان به شعله‌های آتش تبدیل می‌شود نیز آنها هم مراتب مختلف دارند. در دنیای امروزمان یک نقص، عیب و مشکل وجود دارد و وظیفه ما این است که این مشکل را کم کنیم یا برداریم البته خیلی بعید می‌دانم که بطور کامل بتوان برطرف کرد، اما می‌شود ابعاد آنرا کم و قابل تحمل کرد.

چه کسی باید این کار را انجام بدهد، دولت؟ بله بخشی وظیفه دولت است. مردم عادی؟ بله بخشی هم وظیفه مردم است. دیگران؟ دیگران به معنای ملت‌های دیگر و همسایگان یا مراجع بین‌المللی؟ ممکن است آنجا هم پیدا شود.

همین امروز در مسأله ویروس کرونا، همین‌طور که همه در داخل جامعه کمک می‌کنیم باز با سازمان بهداشت جهانی WHO هم در تماس هستیم. همان‌ها هم ممکن است به ما کمک کنند، هم ممکن است تحولات این ویروس را به اطلاع ما برسانند. یک مرجع بین‌المللی است او هم با ما در تماس است ما هم با او در تماس هستیم. در مسایل مختلف، همه اینها را باید مدنظر قرار دهیم.

البته مردم پایه اصلی هستند یعنی اگر یک ملتی در یک موضوعی به حرکت در بیاید، قدرت آن از دولت، همسایگان و کشورهای دیگر و مراجع بین‌المللی به مراتب بیشتر است.

به هر حال یک ملت متحد به صحنه آمده و همه توان‌اش را بکار گرفته است. پس در امر خیر و در امر کمک به دیگران، اولین قدم این است که مردم را آگاه کنیم که همه وظیفه کمک داریم و به آنها بگوییم که کمک آنها هر چند کم هم باشد اما مؤثر است.

ممکن است فرد به ظاهر هزار تومان کمک کند اما این هزار تومان، اگر ضرب بشود در ۸۴ میلیون جمعیت ایران، رقم‌اش متفاوت می‌شود. لذا اگر همه به صحنه بیایند، کمک‌ها ممکن است اندک باشد اما وقتی این اندک در کنار هم جمع می‌شود، می‌تواند تحول بزرگی در جامعه درست کند.

اولین کاری که سمن‌ها باید انجام دهند، تشویق و آگاهی مردم است. یعنی به مردم باید بگویند که شما می‌توانید، شما باید بیایید ما باید در کنار هم قرار بگیریم. صدایی که همه آنرا بشنوند و همه بدانند که در جامعه مشکل و معضل وجود دارد.

البته یکسری معضلات است که به نظر من در ظاهر جامعه ما نباید نمود داشته باشد این وظیفه دولت‌ها است یعنی سر چهارراه می‌رویم یک بچه‌ای است که به عنوان تکدی آنجا ایستاده ۲ نفره الی ۶ نفره و یا به صورت باند هستند و اینها رئیس و تشکیلات برای خودشان دارند این کار دولت است باید با آن مبارزه کند و نباید بگذارد. ممکن است این بچه نیازمند باشد و روی نیازمندی در یک جمعیت رفته که او اینها را هدایت می‌کند و یک باند شدند یا نه به هر حال سر خیابان آمده است و مقابله با این شدنی است.

تبریز این چنین ادعایی دارد من هم در تبریز هر چه رفتم ندیدم که تکدی در تبریز دیده شود. هم خودشان می‌گویند نیست و هم وقتی از مسئولین می‌پرسیم می‌گویند نیست. خود من هر وقت در تبریز رفتم دقت کردم، یعنی در خیابان‌ها که می‌رفتم کاملاً حواسم بود که این درست است؟ یکی نطافت این شهر است یکی نبودن متکدیان است این خیلی افتخار است. این افتخاری برای یک شهر است که خودش را از تکدی و از آلودگی میرا کرده است. باز هم شنیدم در آنجا معتاد متجاهر هم نیست و این هم خیلی مهم است. در جامعه‌ای ممکن است کسی معتاد باشد ولی متجاهرش خیلی مهم است که در وسط خیابان نباشد و نمود نداشته باشد، دم پارک نباشد و آنها یک جایی برده شوند البته راه اصلی‌اش این است که نگذاریم و اگر مبتلا شد این است که نجات‌اش بدهیم و نگذاریم به خیابان بیاید.

اگر شهری مثل تبریز چنین قدرتی دارد، چرا کشور قدرت ندارد؟ چرا تهران قدرت ندارد؟ تهرانی که آقای دکتر رحمانی فضلی

می‌داند روی این مسأله حساس هستیم و مرتب دنبال می‌کنم. نه از حالا از قدیم حساس بودم و همیشه به مسئولین می‌گفتم که نگذاریم در خیابان‌های تهران متکدی باشد. هر وقت هم به آنها می‌گویم می‌گویند اینها یک سازمان، باند و گروه هستند، اینها را می‌چینند و جمع می‌کنند. هر چه که هست و اصلاً به ماهیتش کار ندارم، نباید بگذاریم این وضعیت تحقق پیدا کند.

پس امر اول این بود که مردم را درست هدایت کنیم و بگویم و تبلیغ و گوشزد کنیم و بگویم همه بیایید. مسأله دوم، اینکه تظاهر به بعضی از امور در جامعه نباید باشد. تظاهر را باید از بین ببریم. این نیاز به کار دارد و هم دولت باید کار کند و هم مردم باید کار کنند.

اولاً برند خیرین به نظر من خیلی مهم است. یعنی وقتی می‌گویم هلال احمر، هلال احمر به هر حال یک نهاد است؛ نهاد به معنای دولتی نیست، نهاد عمومی غیردولتی است. هم کمک دولت و هم کمک مردم و هم کمک خارجی و هم کمک داخلی می‌گیرد. شرایط خاص خود را دارد.

وقتی می‌گویم کمیته امداد آن هم شرایط خاص خود را دارد. عمدتاً از دولت کمک می‌گیرد و از مردم هم کمک می‌گیرد. بهزیستی هم ممکن است هم از مردم و هم از دولت کمک بگیرد. بسیاری از مراکزی که الان از معلولین یا از فرزندان بی‌سرپرست، نگهداری می‌کنند بخش خصوصی و خیرین این کار را می‌کنند و بهزیستی آنها را یاری و کمک می‌کند. با هم این کار را انجام می‌دهند. پس در این زمینه دولت و خیرین هم باید به میدان بیایند، برند خیرین آن وقت خیلی مهم است. یعنی یک مجمع خیرینی با نام نیک و قابل اعتماد برای مردم باشد خیلی مهم است. یعنی او باید اعتماد عمومی را جلب کند تا مردم همه یاری و کمک کنند. حالا کمک انسانی است، یک نفر می‌آید کمک می‌کند، کمک مالی و معنوی است، یکی می‌ایستد و وقت می‌گذارد.

خیلی مهم است که ما سمن‌هایمان یا خیرین‌مان به یک تپتر، عنوان و برند برسند که آن برند برای همه خیریه فلان قابل اعتماد باشد. همه می‌آیند، می‌گویند خیریه مثلاً فلان را همه به آن اعتماد دارند. این مرکز سالمندان به نام فلان همه به آن اعتماد دارند.

اینجا جایی است که هر که می‌خواهد نذر کند به آنجا می‌برد، هر که گوسفند می‌خواهد قربانی کند، می‌گوید به آنجا ببرید، به آنجا اعتماد دارد؛ این خیلی مهم است.

ایجاد اعتماد بسیار مهم است. سمن‌های ما هم برای تأثیرگذاری‌شان در جامعه، هم برای جذب امکانات جامعه باید برندگان را معتبر کنند. برند چه جوری معتبر می‌شود؟ آن گروهی که جمع می‌شوند نگذارند یک آدم ناسالمی بیاید در جمع آنها قرار بگیرد. ممکن است خدای ناکرده من خیر واقعی هستم، ولی می‌خواهم از این خیر بودن سوءاستفاده کنم و نباید بگذاریم.

همه جور افراد در جامعه داریم، آن خیرینی که تمام زندگی‌شان را گذاشتند، دارند تلاش و فعالیت می‌کنند و برای رضای خدا کار می‌کنند و به تعبیر امیرالمؤمنین(ع) که به خداوند گفت من برای بهشت تو عبادت نمی‌کنم از ترس جهنم تو هم عبادت نمی‌کنم، برای اینکه عبادت حق توست، عبادت می‌کنم چون حق توست و رضای تو فراهم می‌شود، من عبادت می‌کنم.

بسیار مهم است که هر کسی در جایگاه خودش، خدمتی که می‌خواهد انجام دهد، این خدمت را به خوبی انجام دهد.

یک خیرینی در جامعه ما بوجود بیایند و آنچنان معروف و پرجاذبه باشند که وقتی همه دنیا می‌خواهند کمک کنند، بگویند این مجمع، مجمعی است که اعتماد صد در صد روی آن است و گاهی وقت‌ها ممکن است مجمع خیرین اشکال نداشته باشد اما به خوبی بلد نیست، خرج کند.

دو چیز مهم است، یکی سالم بودن و یکی بلد بودن. یک مجمعی است که هم سالم است و هم به بهترین شکل می‌تواند آن پول را خرج کند و به ثمر برساند. بنابراین این برای ما مهم است و باید این تلفیق بین دولت و مردم و مجمع خیرین و جمع‌های خیر و سمن‌ها و برندهای آنها باشد و همه اینها در کنار هم مهم است که در کنار هم قرار بگیرد.

در کشور ما متأسفانه مشکلات فراوان قبل و بعد انقلاب داشتیم و امروز در این دولت و دولت آینده مشکلات اجتماعی وجود دارد. حاشیه نشین داشتیم و داریم و به این زودی‌ها هم تمام نمی‌شود، معتاد در جامعه داشتیم و داریم و به این زودی‌ها هم تمام نمی‌شود و فرزند بی‌سرپرست داشتیم و امروز هم داریم و در آینده نزدیک هم معلوم نیست، تمام شود.

معلولین و همه اقشاری که الان در جامعه بودند و هستند و اینها آسیب‌های اجتماعی هستند. در جامعه ما طلاق واقع می‌شود، یک خانواده با هم زندگی می‌کنند و جدایی ایجاد می‌شود و وقتی جدایی ایجاد می‌شود یکسری مشکلاتی برای آن خانم و بچه‌ها شروع می‌شود.

یکی می‌بینید که در یک خانواده خوب زندگی می‌کنند و پدر یا مادر آن خانواده یا هر دو با خطا و جرمی دستگیر می‌شوند و به زندان می‌روند اول گرفتاری شروع می‌شود.

خانواده خوب بوده است و وقتی پدر یا مادر یا هر دو خدای ناکرده به زندان می‌رود، خانواده از هم می‌پاشد و چیز جدید پیش می‌آید. اصلاً این آدم، آدمی فعال بوده است و تصادف کرده و پایش را از دست داده است، این کسی که توانمند بوده، ناتوان شده و باید به او یاری و کمک کنیم پس این مسایل همیشه در جامعه پیش می‌آید.

در این زمینه همه دولت‌ها خدماتی داشته و کمک‌ها و اقداماتی کردند، در دولت یازدهم و دوازدهم روی این مسأله حساسیت زیادی وجود آمد. وزارت کشور یک جمع و مرکزیتی برای این کار داشت و هم گزارشاتی که خدمت مقام معظم رهبری داده شد ایشان هم روی این مسأله فوق‌العاده حساس شد و خود ایشان، جلساتی را هر چند ماه یکبار تشکیل دادند که همه مسئولین مختلف را دعوت می‌کرد و خودشان هم می‌نشستند و جمع‌بندی می‌کردند. در نهایت از آن جلسه رسیدیم به یک شورای اجتماعی که بنا شد رئیس آن رئیس جمهور و نائب رئیس آن وزیر کشور باشد و آن جمع هم به یک سازمان تبدیل شوند تا بتواند با فعالیت بیشتری کار را شروع بکند.

این کار شروع شد هم کار علمی و تحقیقاتی و عملی روی آن شد و هم دولت روی آن اهتمام ورزید، هم خود رهبری جلسات متعددی گذاشت خود من و وزیر کشور جلسات متعددی گذاشتیم و در آن جمع نماینده سمن‌ها هم حضور دارند و ظاهراً ۳ نفر از سمن‌ها حضور دارند.

ارتباط تنگاتنگی بین بالاترین شورایی که در کشور تشکیل شده به ریاست رئیس جمهور و با عنایت ویژه مقام معظم رهبری وجود دارد و در دولت یازدهم و دوازدهم ۷ جلسه خدمت ایشان بودیم که همه مسئولین هم حضور داشتند.

بنابراین معلوم است که اهتمام ویژه‌ای از طرف نظام، رهبری نظام، مسئولین و دولت شروع شده است. از آن طرف هم تعداد سمن‌ها و خیرین الحمدا گسترش پیدا کرده است. البته دولت یک مقداری کمک کرد. حتی برای سمن‌ها برای نهادهایی که مردم نهاد هستند، لایحه‌ای در دولت تهیه کردیم و به مجلس فرستادیم برای اینکه سامان و شکل بهتری پیدا کند. هم دولت کمک بیشتری کرد و هم معتقدیم و می‌دانیم این کار که البته به وزیر رفاه و بهزیستی هم قبلاً و همیشه می‌گویم کاری که مردم می‌توانند انجام دهند به آنها بدهید آنها بهتر از شما انجام می‌دهند.

اگر یک خانه سالمندانی را بدهیم تا جمع خیر اداره کنند بهتر از ما اداره می‌کنند. اصلاً مردم همیشه بهتر از دولت کار را اداره می‌کنند و این طبیعی است، برای اینکه این ذوق، انگیزه و داوطلبانه است. این مثال را می‌زنم اگر یک مغازه برای مردم باشد، از ۵ صبح شروع به کار می‌کند تا ۱۱ شب هم در مغازه است ولی اگر دولتی شد، ۸ صبح می‌آید، نزدیک اذان می‌رود دنبال وضو، نماز و با پیغمبر است که بعد از نماز برگردد در اتاقش و چقدر کار کند. قبل از آن ساعتی هم که تعطیل می‌شود، نیم ساعت زودتر در عالم غیب فرو رفته و نیست.

کار دولتی با کار مردمی متفاوت است. تا جایی که ممکن است کار را باید به مردم بدهیم. دولت باید کمک، نظارت و حمایت کند. اینها کار دولت است.

الان این همه در گندم خودکفا هستیم اگر دولت می‌خواست این کار را بکند مگر می‌توانستیم خودکفا بشویم. کشاورزان کار و تلاش می‌کنند. البته دولت سیاست‌های خیلی مؤثر است. یک وقتی گندم را کیلویی ۴۰۰ تومان می‌خریدیم، البته اول دولت ما قیمت تغییر کرد و ماه‌های قبل دولت به ۸۰۰ تومان رسید. گندم را یک وقتی ۴۰۰ تومان، ۱۰۰۰ تومان، ۱۴۰۰ تومان، ۱۷۰۰ تومان، ۲ هزار تومان و بالای ۲ هزار تومان می‌خریم.

لذا سیاست‌های دولت مؤثر است. دولت یازدهم به علت اینکه تحولی در کشاورزی ایجاد شد به سم، کود و بذر به موقع دادن اهمیت قابل شد و اینها خیلی مهم و مؤثر است. نقش دولت در سیاست‌گذاری و حمایت مؤثر است، ولی خود دولت نمی‌تواند کشاورز خوبی باشد باید خود مردم کشاورز باشند. در صنعت هم همین‌طور است باید به خود مردم بدهیم.

در امور خیریه هم بالاتر از اینها است چون آنجا وقتی یک جمعی هستند می‌خواهند به معلولین و معتادین و کارتن‌خواب‌ها رسیدگی کنند اینها دیگر انگیزه‌های بیشتری می‌خواهد و قطعاً انگیزه معنوی نیازمند جهاد و ایثار است چه آنهایی که مدرسه می‌سازند چه آنجایی که یک محیطی را درست کرده و اداره می‌کنند، فرقی نمی‌کند. بعضی کارها هم است که خیلی مرسوم نیست و باید در میان خیرین مرسوم‌اش بکنیم.

اخیراً وزیر بهداشت و درمان به من می‌گفت یکی از چیزهایی که خیرین بیابند سرمایه‌گذاری کنند، خوابگاه دانشجویان است. یک مسأله‌ای که در فضا کرونا داشتیم این بود که دانشگاه‌ها را کی باز کنیم، چه جوری می‌شود. به ظاهر دانشگاه مشکل ندارد اما موضوع که جدی شد، دیدیم مشکل اصلی در خوابگاه است. وقتی رفتیم دنبال خوابگاه، دیدیم در خوابگاه مثلاً در یک اتاق، ۴ الی ۸ نفر هستند. خیلی سخت می‌شود.

یک وقتی بود در قدیم جوان بودیم و دانشجو بودیم، بنده هم در خوابگاه بودم، در دانشگاه تهران می‌رفتم، آن وقت اتاق‌ها ۲ نفره بود و اصلاً اتاق ۳ نفره تقریباً نداشتیم. به هر حال دانشگاه‌ها وسیع و بزرگ شده و تعداد دانشجو زیاد شده است.

ساخت خوابگاه خیلی مهم است. خیرین در دانشگاه سرمایه‌گذاری می‌کنند ولی برای خوابگاه خیلی به فکر نیستیم که این هم مهم است.

یک مورد دیگری که آقای وزیر می‌گفت، می‌گفت برای بیمارستان‌ها هم یکی از کارهایی که خیرین باید انجام دهند، ساخت خوابگاه برای همراهان بیماران است. حالا خانواده‌ای است، بنده‌خدایی مریض شده به تهران آمده، مادرش، خواهرش هم همراهش به عنوان همراه آمدند، دلشان نمی‌آید این را در بیمارستان بگذارند و بروند، ناچارند روز بروند کمک کنند شب یک جایی بخوابند؛ چه کار کنند!

در خارج البته بیمارستان‌هایی است که هتل هم در درون خودش دارد. یک بخشی هتل است و یک بخشی بیمارستان است. لافل در داخل بیمارستان جایی نداریم، بیرون بیمارستان برویم یک جایی درست کنیم.

پس خیلی از امور خیری است که کمتر وارد شدیم و باید در همه نیازمندی‌های اجتماعی که برای مردم مهم است وارد شویم و بتوانیم این کار را انجام دهیم.

یک نکته‌ای در جلسه گفته شد که خیلی به نظر من مهم بود و آن اینکه یک آدمی که خودش یک مدتی کارتن خواب بوده، او نباید به او کمک کنیم و مدیریت آن بخش را به عهده بگیرد.

حالا نمونه‌هایی در بهزیستی داریم. کسی که همانجا بزرگ شده و رشد کرده، حالا خودش مدیر آن قسمت شده است. اینها بهتر لمس و درک می‌کنند و بهتر می‌توانند اداره کنند. اگر می‌خواهیم معنادین را اداره کنیم در میان عده زیادی از معنادینی که پاک شدند و برای مدتی هم معلوم است که به وضعیت قبل باز نمی‌گردند، اینها مسئول بشوند. چون اینها بهتر شرایط آن معناد را درک می‌کنند که چه و چگونه است، تا آدم غریبه‌ای که نبوده و اصلاً نمی‌داند اعتیاد چیست و او می‌خواهد بیاید و آنها را سرپرستی کند. این هم نکته مهمی است که باید این را هم دنبال کنیم که برسیم.

نکته آخر من در بحث کروناست. خیرین همه جا هستند. به هر حال هر جا مشکل پیش می‌آید خیرین هم می‌آیند. سیل، زلزله یا هر مشکل دیگری پیش می‌آید، وارد می‌شوند و کمک می‌کنند و ما هم دیدیم. در همه حوادث دیدیم خیرین می‌آیند و کمک می‌کنند. واقعاً با همه وجودشان، مالی، مدیریتی، اجرایی، عملیاتی، همه جور کمک می‌کنند.

کرونا از آن مسایل مهمی بود که با آن مواجه شدیم. تنها ما هم نبودیم، همه عالم با آن مواجه شد. مشکل عظیم و بزرگی است.

این مشکل هم اداره‌اش آسان نیست. البته هر چه مشکلات پیش بیاید به نظر من یک آزمایش و امتحان هم برای همه ما است که چگونه با آن مشکل مواجه می‌شویم و چگونه آن مشکل را اداره کنیم. به تعبیر قرآن **لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا** این آزمایش‌ها برای این است که بفهمیم چه کسی بهتر عمل می‌کند.

در داستان کرونا یک مسابقه و رقابت و یک مقایسه‌ای امروز بین دنیا وجود دارد، این کشور، آن کشور، این کشور چه می‌کند، آن کشور چه می‌کند؟ یکی از رهبران یکی از کشورها چند روز پیش با من صحبت می‌کرد می‌گفت ما دچار حیرتیم که شما با این تحریم شدید چگونه توانستید این چند ماه را با این فشار کرونا اداره کنید!

یک رهبر دیگری که جزو همسایگان ماست، تعبیر می‌کرد و می‌گفت من هر وقت یاد کرونا می‌افتم و به یاد شما، به یاد ایران می‌افتم که این ایرانی که در این فشار شدید تحریم است، چه جوری می‌خواهد کشور را اداره کند.

به هر حال ما سختی‌های خاص خودمان را داریم. من یکبار دیگر هم گفتم در پاییز موقع شمارش جوجه‌ها است و هنوز مانده تا پایان کرونا و شاید هم راهمان طولانی باشد و تا امروز در کرونا که ما یک پیک بزرگ را عبور کردیم و امیدواریم دیگر پیک نباشد البته متخصصین ما می‌گویند در انتظار پیک دیگری هم باید باشیم.

این پیکی که از آن عبور کردیم و رد شدیم البته خیلی مشکلات داریم و وقتی ایران را با دنیا مقایسه می‌کنیم، سرفرازیم. ملت ایران ملت سرفرازی است؛ در بهبودیافتگان، در کیت‌های تشخیص، تشخیص افراد مبتلا، در مسأله کمک‌هایی که لازم بود برای بیمارستان‌ها از جمله ماسک، گان، کیت و هر چیزی که برای مردم، بیمارستان‌ها و کادر پزشکی نیاز داشتیم و مردم ما در این زمینه موفق بودند.

همین آماری هم که هفته پیش در ستاد کرونا به ما اعلام کردند که ۸۳ درصد مردم دستورالعمل‌های وزارت بهداشت را عمل می‌کنند. در شهرهایی ۹۲ تا ۹۳ درصد و یک جاهایی هم تا ۷۰ درصد که سرجمع به طور متوسط ۸۳ درصد مردم به توصیه‌ها عمل می‌کنند و این مهم‌ترین نکته است و اعتماد مردم به دولت، پزشکان و متخصصین این اولین قدم است.

قدم دوم حضور مردم در صحنه است که همه شما در صحنه حاضر شدید. خیرین حاضر شدند و ان‌شاء [] تا آخر باید بمانند و این کار مهم و بزرگی است و پایان آن هم برای ما روشن نیست و نمی‌دانیم پایان کرونا چند هفته و چند ماه دیگر است الان در بعضی از کشورها رقم، عدد و اقداماتی که انجام می‌دهند، بحث بعد از ۲۰۲۰ است و امسال را در نظر گرفتند که تا آخر سال ۲۰۲۰ ما گرفتاریم و بحث ۲۰۲۱ است که برای درمان چطور می‌شود و واکسن برای ما روشن نیست که چه زمانی بشر به آن می‌رسد بنابراین مدتی گرفتار این معضل هستیم و در این گرفتاری باید همدیگر را یاری و کمک کنیم.

می‌خواهم از خیرین در همه زمینه‌هایی که فعال هستند به طور عام تشکر کنم بویژه در زمینه کرونا که روزهای سختی برای جامعه ما بود و شاید آخر سال یعنی پایان اسفند و اول فروردین که روزهای پیک ما بود، روزهای بسیار سخت‌تری برای ما بود و از این به بعد هم باید مراقبت کنیم.

ان‌شاء [] خداوند ما را یاری و کمک می‌کند. به تعبیر قرآن این است که می‌گویند **لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ** که آنی که دوست دارید در راه خدا بدهید، بهترین لباس‌تان را در راه خدا بدهید، بهترین درآمدها را در راه خدا بدهید و بهترین میوه‌ای

که دارید در راه خدا بدهید. بدترین چیز را انفاق نکنیم، آن میوه لک‌دار را انفاق نکنیم و آن بهترین میوه و غذا را انفاق کنیم.

قرآن می‌گوید لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ عِنْدَ هَيْجٍ مَوْجِعٍ تَا آخِرٍ تَا اَبَدٍ و می‌گویند نفی ابد را می‌رساند. لَنْ را علما می‌گویند. لَنْ تَنَالُوا بِرَّ شَمَا به نیکوکاری نمی‌رسید حتی حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ تَا آنی که برای خودتان دوست دارید و برای خودتان عزیز است آن را در راه خدا انفاق کنید. وقت و تخصص عزیزتان، ارزشمندی، پول، امکانات، خانه، مکان، زمین است هر چه که است.

ان شاء الله امیدوارم خداوند به ما توفیق دهد که ما جزو نیکوکاران واقعی و پیروان واقعی امام مجتبی(ع) باشیم.

والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته.

برچسب‌ها: [حسن روحانی](#) [1]

[سلامت](#) [2]

[فقر](#) [3]